گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۳۶۵۰۳
پنج شنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۵ ۶:۳۸

از چرخش پالایشگاه‌های چین به سمت نفت عراق تا تهدید قطع درآمدهای ارزی و آزمون دشوار اقتصاد ایران

نفت ایران در محاصره؛ بودجه ۱۴۰۶ بدون نفت چگونه اداره خواهد شد؟

بازار نفت ایران در حال ورود به یکی از حساس‌ترین دوره‌های خود است؛ دوره‌ای که در آن، مسئله دیگر صرفاً تحریم نفتی، تخفیف‌های صادراتی یا دشواری انتقال پول نیست. اکنون تداوم محدودیت‌های دریایی، اختلال در مسیر صادرات و کاهش دسترسی خریداران به محموله‌های جدید، پرسش جدی‌تری را مطرح کرده است: آیا ایران در حال از دست دادن بخشی از بازار نفت خود است؟

گزارش تحلیلی | پایگاه اطلاع‌رسانی دریا و نفت: گزارش تازه بلومبرگ درباره تغییر مسیر خرید پالایشگاه‌های مستقل چین، نشانه‌ای مهم از تحولات جدید بازار است. بر اساس این گزارش، پالایشگاه‌های مستقل چینی که طی سال‌های گذشته یکی از مشتریان اصلی نفت تخفیف‌دار ایران بودند، اکنون برای تأمین خوراک خود به سمت نفت عراق و دیگر عرضه‌کنندگان حرکت کرده‌اند. بلومبرگ گزارش داده است که شرکت بازرگانی مرکوریا در هفته‌های اخیر تا ۲۰ میلیون بشکه نفت عراق را به دست‌کم هشت پالایشگاه مستقل چین تحویل داده و شرکت‌هایی مانند ویتول نیز در جابه‌جایی محموله‌های جایگزین نقش داشته‌اند.
این تحول فقط به معنای تغییر موقت مبدأ خرید نفت نیست. در تجارت جهانی نفت، رابطه میان فروشنده و پالایشگاه، پس از شکل‌گیری مسیرهای مطمئن حمل‌ونقل، قراردادهای تجاری، سازوکارهای مالی و تنظیم خوراک پالایشگاه، می‌تواند به یک رابطه بلندمدت تبدیل شود. به بیان دیگر، حتی اگر محدودیت صادرات نفت ایران در آینده کاهش یابد، بازگشت خودکار خریداران قبلی تضمین‌شده نیست. ایران ممکن است برای بازپس‌گیری سهم بازار خود ناچار به ارائه تخفیف‌های بیشتر، پذیرش هزینه‌های حمل بالاتر و رقابت با عرضه‌کنندگانی شود که در دوره غیبت نفت ایران، جایگاه خود را در بازار چین تقویت کرده‌اند.

۱. بازار چین؛ مهم‌ترین مشتری ایران در معرض تغییر رفتار

چین طی سال‌های گذشته مهم‌ترین مقصد نفت خام ایران بوده است. بخش مهمی از صادراتی که تحت تحریم‌های آمریکا انجام می‌شد، با استفاده از شبکه‌های پیچیده حمل‌ونقل، تغییر مبدأ ثبت‌شده محموله‌ها، انتقال کشتی‌به‌کشتی و واسطه‌های تجاری به پالایشگاه‌های مستقل چینی می‌رسید. برآورد شرکت اطلاعات انرژی ورتکسا نشان می‌دهد صادرات دریابرد نفت خام ایران به چین در اکتبر ۲۰۲۶ به کمتر از ۱۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته؛ در حالی که این رقم پیش از آغاز جنگ حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز گزارش شده بود. این ارقام برآورد شرکت‌های ردیابی نفتکش هستند و به دلیل خاموش بودن سامانه‌های شناسایی برخی کشتی‌ها، انتقال‌های غیرمستقیم و پیچیدگی تجارت تحریمی، نباید آنها را آمار قطعی و کامل صادرات تلقی کرد.

با این حال، جهت کلی تحولات نگران‌کننده است: سهم ایران در تأمین نفت پالایشگاه‌های مستقل چین با محدودیت جدی مواجه شده و عرضه‌کنندگان دیگری برای تصاحب این بازار وارد عمل شده‌اند. بر اساس گزارش بلومبرگ، عراق با ارائه شرایط قیمتی جذاب‌تر توانسته بخشی از نیاز این پالایشگاه‌ها را تأمین کند. نفت عراق در این شرایط از مزیت مهمی برخوردار است: امکان عرضه از مسیرهای تجاری شناخته‌شده‌تر و دسترسی به شرکت‌های بزرگ بین‌المللی تجارت نفت. البته نفت عراق نیز با محدودیت‌هایی روبه‌روست؛ از جمله تفاوت مشخصات فنی گریدهای نفتی و ریسک‌های حمل‌ونقل در منطقه خلیج فارس. بنابراین جایگزینی کامل نفت ایران با نفت عراق را نمی‌توان نتیجه گرفت. اما نکته مهم‌تر این است که مشتریان چینی اکنون در حال آزمایش و تثبیت مسیرهای جایگزین هستند؛ اتفاقی که می‌تواند در صورت تداوم محدودیت‌ها، موقعیت تجاری ایران را تضعیف کند.

۲. مسئله فقط فروش نفت نیست؛ مسئله بازگشت پول نفت است

در تحلیل درآمد نفتی کشور، تمرکز صرف بر تعداد بشکه‌های صادرشده می‌تواند گمراه‌کننده باشد.
درآمد واقعی دولت از نفت به مجموعه‌ای از عوامل وابسته است:

حجم نفت تولیدشده و قابل صادرات؛
میزان محموله‌هایی که واقعاً به خریدار تحویل می‌شوند؛
قیمت فروش در مقایسه با شاخص‌های جهانی؛
میزان تخفیف‌های تحمیلی و هزینه‌های حمل‌ونقل؛
هزینه واسطه‌گری و بیمه؛
امکان وصول و انتقال درآمد حاصل از فروش؛
سهمی که طبق قوانین بودجه به دولت اختصاص می‌یابد.

ممکن است ایران در شرایطی نفت تولید کند، اما امکان بارگیری و صادرات آن محدود باشد. ممکن است محموله‌ای به مقصد برسد، اما دریافت پول آن با تأخیر انجام شود. حتی ممکن است فروش ثبت شود، ولی درآمد حاصل به دلیل محدودیت‌های بانکی و مالی به‌موقع در اختیار دولت قرار نگیرد. بنابراین باید میان سه مفهوم تفاوت قائل شد: تولید نفت، صادرات نفت و درآمد قابل‌دسترس نفتی. این سه شاخص الزاماً با یکدیگر برابر نیستند.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده در پاییز ۲۰۲۶، محموله‌های نفتی ذخیره‌شده روی نفتکش‌ها که پیش‌تر امکان فروش آنها وجود داشت، به‌تدریج تخلیه

شده‌اند و جایگزینی این ذخایر با محموله‌های تازه، به دلیل محدودیت‌های حمل‌ونقل با دشواری مواجه شده است. رویترز در اول سپتامبر گزارش داد که بارگیری نفت خام و میعانات ایران در ماه اوت به حدود ۲۲۰ تا ۲۵۵ هزار بشکه در روز رسیده؛ در حالی که این رقم در مارس حدود دو میلیون بشکه در روز برآورد شده بود. گزارش‌های بعدی از کاهش بیشتر جریان صادرات حکایت دارند. اهمیت این اتفاق در آن است که فروش محموله‌های موجود در ذخایر شناور می‌تواند برای مدتی درآمد ایجاد کند، اما این منبع محدود است. وقتی ذخایر تخلیه شوند و امکان بارگیری و ارسال محموله جدید وجود نداشته باشد، جریان درآمدی نیز به‌تدریج با وقفه مواجه خواهد شد.

۳. نفت ایران؛ از ابزار تأمین بودجه تا متغیر پرریسک اقتصاد

اقتصاد ایران سال‌هاست که با وابستگی مستقیم و غیرمستقیم به درآمدهای نفت و گاز اداره می‌شود. اگرچه در اسناد بودجه‌ای سهم درآمدهای مالیاتی و سایر منابع افزایش یافته، اما نفت همچنان یکی از پایه‌های اصلی تأمین منابع ارزی و مالی دولت است. اهمیت نفت فقط به مبلغی که مستقیماً وارد خزانه می‌شود محدود نیست. درآمدهای نفتی در تأمین ارز واردات، مدیریت بازار ارز، تأمین کالاهای اساسی، پشتیبانی از طرح‌های عمرانی و ایجاد ظرفیت برای هزینه‌های عمومی نقش دارند. از سوی دیگر، کاهش درآمد نفتی می‌تواند بر بخش‌هایی اثر بگذارد که در ظاهر ارتباط مستقیمی با صادرات نفت ندارند.

برای مثال، کاهش عرضه ارز می‌تواند هزینه واردات مواد اولیه، تجهیزات صنعتی، دارو و کالاهای اساسی را افزایش دهد. افزایش هزینه تولید نیز می‌تواند به قیمت مصرف‌کننده منتقل شود. در نتیجه، شوک نفتی ممکن است از مسیر بازار ارز به تورم و سپس به قدرت خرید خانوارها منتقل شود. گزارش اکتبر ۲۰۲۶ بانک جهانی درباره ایران نیز از تشدید فشارهای اقتصادی، کاهش سرمایه‌گذاری، افت تجارت خارجی و افزایش فشارهای تورمی در پی جنگ و اختلال در زیرساخت‌ها حکایت دارد. در چنین شرایطی، کاهش درآمد نفتی فقط یک مشکل در حساب‌های دولت نیست؛ بلکه می‌تواند به یک شوک فراگیر برای اقتصاد تبدیل شود.

۴. بودجه ۱۴۰۶؛ هشدار رسمی درباره سناریوی نفت صفر

شاید مهم‌ترین نشانه از جدی شدن بحران درآمد نفتی، اظهارات محمد قاسمی، معاون هماهنگی سازمان برنامه و بودجه باشد. او در آبان ۱۴۰۵ اعلام کرد دولت باید هنگام تدوین بودجه سال ۱۴۰۶ برای شرایطی آماده باشد که درآمدهای نفتی به صفر برسد. این اظهارنظر از چند جهت اهمیت دارد.

نخست آنکه موضوع کاهش درآمد نفتی دیگر صرفاً تحلیل رسانه‌ها و مؤسسات خارجی نیست؛ بلکه در سطح دستگاه برنامه‌ریزی اقتصادی دولت نیز سناریوی صفر شدن درآمد نفتی مطرح شده است.

دوم آنکه سال ۱۴۰۶، سالی عادی از نظر برنامه‌ریزی مالی نیست. این بودجه در شرایطی تدوین می‌شود که دولت هم‌زمان با کاهش احتمالی منابع درآمدی، با افزایش هزینه‌های ناشی از جنگ، بازسازی زیرساخت‌ها، تعهدات جاری و فشارهای معیشتی روبه‌روست.

سوم آنکه فاصله میان بودجه مبتنی بر درآمد نفتی و بودجه‌ای که باید بدون اتکا به نفت اداره شود، بسیار بیشتر از تغییر یک عدد در جدول منابع و مصارف است.

در گزارش الجزیره در ۱۱ نوامبر نیز به نقل از مقام سازمان برنامه و بودجه آمده است که دولت برای شرایطی که درآمد نفتی به صفر برسد، برنامه‌ریزی می‌کند. بنابراین پرسش اصلی درباره بودجه سال آینده این است: اگر درآمد نفتی محقق نشود، دولت از چه منابعی هزینه‌های خود را تأمین خواهد کرد؟

۵. بودجه بدون نفت؛ راهکارهای روی میز دولت چیست؟

بودجه بدون نفت در ظاهر یک هدف اقتصادی قابل دفاع است. بسیاری از اقتصادهای دارای منابع طبیعی تلاش می‌کنند هزینه‌های جاری خود را به درآمدهای پایدار غیرنفتی متصل کنند تا نوسانات بازار جهانی نفت، اداره کشور را مختل نکند. اما در شرایط کنونی ایران، اجرای چنین مدلی با موانع جدی روبه‌روست.

الف) افزایش درآمدهای مالیاتی

یکی از نخستین راهکارهای دولت، افزایش سهم مالیات در تأمین بودجه است. دولت می‌تواند با کاهش فرار مالیاتی، شناسایی فعالیت‌های اقتصادی پنهان، اصلاح معافیت‌های غیرضروری و گسترش پایه‌های مالیاتی، بخشی از کمبود درآمد نفتی را جبران کند. اما افزایش نرخ یا فشار مالیاتی بر بنگاه‌هایی که با رکود، کمبود سرمایه در گردش، کاهش تقاضا و افزایش هزینه تولید مواجه‌اند، می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد. اگر مالیات به‌جای فعالیت‌های غیرشفاف و درآمدهای پنهان، از تولیدکنندگان رسمی و کسب‌وکارهای آسیب‌دیده دریافت شود، احتمال کاهش تولید، تعطیلی بنگاه‌ها و گسترش فعالیت‌های غیررسمی افزایش می‌یابد. بنابراین مسئله اصلی، افزایش بی‌ضابطه مالیات نیست؛ بلکه اصلاح ساختار مالیاتی و گسترش پایه مالیاتی همراه با حمایت از تولید است.

ب) انتشار اوراق بدهی و استقراض

دولت می‌تواند بخشی از کسری منابع را از طریق انتشار اوراق بدهی تأمین کند. این روش در صورتی که با برنامه بازپرداخت مشخص، نرخ بهره قابل مدیریت و ظرفیت واقعی بازار سرمایه همراه باشد، می‌تواند به تأمین مالی کوتاه‌مدت کمک کند. اما انتشار گسترده اوراق در اقتصادی که با تورم بالا و

محدودیت منابع مالی مواجه است، ممکن است هزینه تأمین مالی را افزایش دهد و منابع بانک‌ها و بازار سرمایه را از بخش خصوصی به سمت دولت هدایت کند. در این حالت، دولت بخشی از منابعی را جذب می‌کند که می‌توانست صرف سرمایه‌گذاری و توسعه تولید شود.

ج) استفاده از صندوق توسعه ملی

برداشت از منابع صندوق توسعه ملی یکی دیگر از گزینه‌های احتمالی است. این منابع در اصل برای تبدیل ثروت زیرزمینی به دارایی‌های مولد و حفظ منافع نسل‌های آینده در نظر گرفته شده‌اند. استفاده از آنها برای جبران کسری بودجه جاری، اگرچه ممکن است در شرایط اضطراری به دولت فرصت تنفس بدهد، اما در صورت تداوم، فلسفه وجودی صندوق را تضعیف می‌کند. در واقع، تبدیل ذخایر بین‌نسلی به منابع مصرفی روزمره، هزینه‌ای است که در آینده ظاهر خواهد شد.

د) فروش دارایی‌ها و اموال دولتی

واگذاری اموال و دارایی‌های غیرضروری دولت می‌تواند بخشی از کمبود منابع را جبران کند. با این حال، فروش دارایی یک درآمد پایدار نیست. دولت نمی‌تواند هر سال برای تأمین حقوق، هزینه‌های جاری و تعهدات بلندمدت، دارایی‌های خود را بفروشد. اگر این واگذاری‌ها بدون شفافیت، رقابت و ارزیابی واقعی قیمت انجام شود، خطر انتقال دارایی‌های عمومی با ارزش پایین‌تر از قیمت واقعی نیز وجود دارد.

هـ) افزایش درآمدهای صادرات غیرنفتی

صادرات محصولات پتروشیمی، فولاد، مواد معدنی، محصولات کشاورزی و خدمات فنی و مهندسی می‌تواند بخشی از منابع ارزی کشور را تأمین کند. اما باید به یک واقعیت توجه کرد: صادرات غیرنفتی لزوماً معادل درآمد قابل‌دسترس دولت نیست. درآمد صادراتی ابتدا متعلق به صادرکننده است و تنها از مسیر مالیات، حقوق دولتی، عوارض یا سازوکارهای قانونی دیگر می‌تواند به منابع عمومی تبدیل شود. از سوی دیگر، بخش‌هایی مانند پتروشیمی و فولاد نیز در شرایط جنگی، محدودیت انرژی، آسیب زیرساختی و مشکلات صادراتی قرار دارند. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که صادرات غیرنفتی در کوتاه‌مدت به‌تنهایی جایگزین درآمدهای نفتی شود.

۶. خطر اصلی؛ کسری بودجه‌ای که به تورم تبدیل می‌شود

اگر درآمدهای نفتی کاهش یابد، اما هزینه‌های دولت متناسب با آن اصلاح نشود، فاصله میان منابع و مصارف به کسری بودجه تبدیل خواهد شد. کسری بودجه به‌خودی‌خود الزاماً به معنای تورم نیست؛ شیوه تأمین مالی آن تعیین‌کننده است. اگر کسری از طریق منابع پایدار، اصلاح هزینه‌ها یا انتشار بدهی قابل مدیریت تأمین شود، آثار تورمی آن می‌تواند محدودتر باشد. اما اگر دولت برای جبران کسری به شبکه بانکی، اضافه‌برداشت بانک‌ها یا تأمین مالی مستقیم و غیرمستقیم از بانک مرکزی متکی شود، فشار بر پایه پولی و نقدینگی افزایش می‌یابد. در اقتصادی که پیش از این نیز با تورم بالا، کاهش ارزش پول ملی و بی‌ثباتی انتظارات روبه‌روست، این مسیر می‌تواند به تشدید تورم منجر شود.
در چنین وضعیتی، مردم هزینه کاهش درآمد نفتی را نه فقط از طریق کاهش خدمات عمومی، بلکه از مسیر افزایش قیمت کالاها، کاهش قدرت خرید و افت ارزش پس‌اندازهای خود پرداخت خواهند کرد. نکته مهم آن است که تورم ناشی از کسری بودجه می‌تواند خود به عاملی برای افزایش هزینه‌های دولت تبدیل شود؛ زیرا حقوق کارکنان، مستمری‌ها، خریدهای عمومی و هزینه اجرای پروژه‌ها نیز با افزایش قیمت‌ها بالا می‌روند. به این ترتیب، یک چرخه معیوب شکل می‌گیرد: درآمد کمتر، کسری بیشتر، تأمین مالی تورم‌زا، افزایش هزینه‌ها و کسری دوباره.

۷. آیا بودجه بدون نفت به معنای اقتصاد بدون نفت است؟

خیر. این دو مفهوم باید از یکدیگر تفکیک شوند.
بودجه بدون نفت به معنای آن است که دولت برای تأمین هزینه‌های عمومی خود، به درآمد مستقیم حاصل از فروش نفت اتکا نکند یا دست‌کم آن را در سناریوی پایه بودجه به حداقل برساند. اما اقتصاد بدون نفت به معنای حذف نقش صنعت نفت و گاز از تولید، صادرات، سرمایه‌گذاری، اشتغال و زنجیره تأمین کشور است. چنین هدفی نه واقع‌بینانه است و نه لزوماً مطلوب. ایران همچنان دارای منابع عظیم نفت و گاز، زیرساخت‌های انرژی، ظرفیت پالایشگاهی، صنایع پتروشیمی و موقعیت راهبردی در بازار انرژی است. مسئله اصلی، چگونگی تبدیل این ظرفیت‌ها به درآمد پایدار، قابل وصول و قابل استفاده برای توسعه کشور است. حتی در یک بودجه غیرنفتی نیز صنعت نفت باید بتواند سرمایه‌گذاری جذب کند، تولید را حفظ کند، زیرساخت‌های خود را نوسازی کند و سهم خود را در تجارت خارجی کشور حفظ نماید. در غیر این صورت، کاهش وابستگی بودجه به نفت ممکن است به قیمت تضعیف ظرفیت تولیدی یکی از مهم‌ترین مزیت‌های اقتصادی ایران تمام شود.

۸. سه سناریو برای آینده درآمد نفتی و بودجه ۱۴۰۶

با توجه به وضعیت فعلی، می‌توان سه سناریوی اصلی را برای سال آینده در نظر گرفت. این سناریوها پیش‌بینی قطعی نیستند، بلکه چارچوب‌هایی برای ارزیابی ریسک‌های بودجه‌ای هستند.

سناریوی نخست: تداوم محدودیت‌ها و درآمد نفتی نزدیک به صفر

در این وضعیت، محدودیت‌های دریایی و تجاری ادامه می‌یابد، صادرات نفت خام در سطح بسیار پایین باقی می‌ماند و درآمدهای حاصل از محموله‌های قبلی نیز به‌تدریج کاهش پیدا می‌کند.

پیامدهای احتمالی:

افزایش کسری بودجه؛
فشار بیشتر بر منابع ارزی؛
محدود شدن واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای؛
افزایش احتمال استفاده از منابع صندوق توسعه ملی و ابزارهای بدهی؛
تشدید فشار بر تولید و معیشت خانوارها.

در این سناریو، دولت ناچار خواهد بود میان هزینه‌های جاری، حمایت‌های اجتماعی، بازسازی و سرمایه‌گذاری عمرانی اولویت‌بندی سخت‌تری انجام دهد.

سناریوی دوم: کاهش تنش‌ها و بازگشت محدود صادرات

در این وضعیت، بخشی از محدودیت‌های حمل‌ونقل و تجارت کاهش می‌یابد و صادرات نفت به‌تدریج از سر گرفته می‌شود.

با این حال، بازگشت به سطح قبلی صادرات به زمان نیاز دارد. قراردادهای جدید، اعتماد خریداران، دسترسی به بیمه و حمل‌ونقل، سازوکارهای دریافت پول و بازسازی شبکه تجاری باید دوباره شکل بگیرند.

حتی در این سناریو نیز نباید درآمد نفتی را از ابتدا در سطح حداکثری در بودجه منظور کرد.

سناریوی سوم: عادی‌سازی تجارت نفت و بازپس‌گیری بازار

در این سناریو، محدودیت‌های اصلی تجارت نفت کاهش می‌یابد و ایران امکان بازگشت تدریجی به بازارهای پیشین را پیدا می‌کند.

اما حتی در این شرایط، بازپس‌گیری سهم بازار از عراق، روسیه، عربستان و سایر عرضه‌کنندگان آسان نخواهد بود.

رقابت قیمتی، هزینه حمل‌ونقل، سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و تضمین تداوم عرضه، عوامل تعیین‌کننده خواهند بود.

ایران برای بازگشت پایدار به بازار چین و دیگر بازارها باید علاوه بر ظرفیت تولید، مزیت تجاری و قابلیت اطمینان در تحویل محموله‌ها را نیز احیا کند.

۹. یک تناقض مهم؛ نفت گران‌تر، اما درآمد کمتر؟

یکی از نکات قابل تأمل در وضعیت فعلی بازار نفت ایران، فاصله میان قیمت جهانی نفت و درآمد واقعی کشور است. در شرایط جنگ و اختلال عرضه، افزایش قیمت جهانی نفت می‌تواند برای بسیاری از صادرکنندگان به معنای درآمد بیشتر باشد؛ اما برای کشوری که امکان صادرات و تحویل محموله‌هایش محدود شده، افزایش قیمت جهانی الزاماً به معنای افزایش درآمد نیست. در گزارش اکتبر ایران اینترنشنال، به نقل از گزارش رسانه‌ای درباره دستورالعمل بودجه، از بررسی قیمت فرضی ۱۳۰ دلار برای هر بشکه نفت در تدوین بودجه ۱۴۰۶ سخن گفته شده است؛ رقمی که هنوز نباید آن را قیمت قطعی و نهایی مبنای بودجه تلقی کرد. اینجا یک تناقض اقتصادی شکل می‌گیرد: ممکن است قیمت جهانی نفت در سطح بالایی قرار داشته باشد، اما ایران به دلیل محدودیت صادرات نتواند از این قیمت بهره‌مند شود.
برای روشن شدن موضوع، فرض کنیم قیمت نفت در بازار جهانی ۱۰۰ دلار باشد. اگر کشوری روزانه یک میلیون بشکه نفت بفروشد، درآمد ناخالص نظری آن حدود ۱۰۰ میلیون دلار در روز خواهد بود. اما اگر امکان فروش و تحویل نفت به ۱۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یابد، این درآمد نظری به ۱۰ میلیون دلار می‌رسد؛ آن هم پیش از محاسبه تخفیف‌ها، هزینه حمل و محدودیت وصول پول.
بنابراین در شرایط فعلی، مسئله اصلی ایران صرفاً قیمت نفت نیست؛ مسئله امکان فروش، تحویل و دریافت واقعی درآمد آن است.

۱۰. چه چیزی باید در بودجه ۱۴۰۶ تغییر کند؟

اگر قرار باشد بودجه سال آینده واقعاً در برابر شوک نفتی مقاوم باشد، صرف اعلام سناریوی نفت صفر کافی نیست. بودجه باید بر اساس منابع قابل تحقق تنظیم شود، نه درآمدهای احتمالی و خوش‌بینانه.

چند محور برای این تغییر ضروری به نظر می‌رسد:

۱.تفکیک شفاف درآمدهای نفتی قطعی، احتمالی و غیرقابل دسترس.
۲. تنظیم بودجه جاری بر اساس منابع پایدار و قابل وصول، نه فروش احتمالی نفت.
۳. تعریف سازوکار مشخص برای مدیریت درآمدهای نفتی در صورت بازگشت صادرات.
۴. اولویت دادن به حفظ تولید، زیرساخت‌های انرژی و پروژه‌های دارای بازده اقتصادی.
۵. اصلاح معافیت‌های مالیاتی و مقابله با فرار مالیاتی، بدون تحمیل فشار نامتناسب به تولیدکنندگان.
۶. شفاف‌سازی تعهدات صندوق توسعه ملی، بدهی‌های دولت و منابع حاصل از انتشار اوراق.
۷. ارائه گزارش دوره‌ای از میزان تحقق درآمدهای نفتی، صادرات واقعی و وجوه وصول‌شده.

۸. حفاظت از هزینه‌های ضروری اجتماعی و جلوگیری از انتقال نامتوازن هزینه بحران به خانوارهای کم‌درآمد.

مهم‌تر از همه، دولت باید میان درآمد ارزی کشور و منابع ریالی قابل مصرف در بودجه تفاوت قائل شود. حتی درآمدی که از صادرات حاصل می‌شود، تا زمانی که وصول و به شکل قابل استفاده در اختیار نظام مالی کشور قرار نگیرد، نمی‌تواند پشتوانه قطعی هزینه‌های دولت باشد.

جمع‌بندی؛ آزمون واقعی اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۶

گزارش بلومبرگ درباره چرخش پالایشگاه‌های مستقل چین به سمت نفت عراق، در کنار داده‌های مربوط به کاهش صادرات ایران و هشدار مقام سازمان برنامه و بودجه درباره احتمال صفر شدن درآمد نفتی، تصویری از یک چالش چندلایه ارائه می‌دهد. ایران با سه مسئله هم‌زمان مواجه است: محدودیت در صادرات، رقابت فزاینده برای حفظ بازار و دشواری تأمین مالی دولت در صورت تداوم کاهش درآمدهای نفتی. خطر مهم‌تر آن است که اختلال موقت در صادرات، به از دست رفتن بخشی از بازار در بلندمدت تبدیل شود. در تجارت جهانی نفت، بازگشت به بازار به اندازه خروج از آن ساده نیست. خریداران به دنبال عرضه مطمئن، قیمت رقابتی، حمل‌ونقل قابل پیش‌بینی و امکان تسویه مالی هستند. از سوی دیگر، بودجه ۱۴۰۶ در شرایطی تدوین می‌شود که اقتصاد ایران هم‌زمان با تورم بالا، کاهش سرمایه‌گذاری، فشار بر تولید و محدودیت‌های تجاری مواجه است. در چنین شرایطی، جایگزینی درآمد نفت با مالیات، بدهی یا برداشت از ذخایر مالی، بدون اصلاح ساختار هزینه‌ها، می‌تواند فشارهای اقتصادی را به شکل دیگری بازتولید کند.

بودجه بدون نفت زمانی یک دستاورد اقتصادی است که به کاهش وابستگی ساختاری دولت، افزایش بهره‌وری، توسعه تولید و تقویت پایه‌های پایدار درآمدی منجر شود؛ نه آنکه صرفاً کسری نفتی از مسیر مالیات بیشتر، بدهی عمومی، برداشت از منابع بین‌نسلی یا تورم به جامعه منتقل شود. پرسش اساسی سال آینده فقط این نیست که دولت چگونه بدون نفت بودجه را می‌بندد؛ بلکه این است که در صورت تداوم محدودیت صادرات، چه میزان از ظرفیت اقتصادی کشور برای حفظ تولید، سرمایه‌گذاری و قدرت خرید مردم باقی خواهد ماند. نفت ایران هنوز یک دارایی راهبردی است؛ اما ارزش واقعی این دارایی زمانی آشکار می‌شود که امکان فروش پایدار، دریافت درآمد و تبدیل آن به سرمایه‌گذاری و رفاه عمومی وجود داشته باشد. در نهایت، بحران نفت ایران فقط بحران فروش چند میلیون بشکه نیست؛ آزمونی برای مدل تأمین مالی دولت و تاب‌آوری کل اقتصاد کشور است.

منابع و مراجع گزارش:
بلومبرگ؛ گزارش تغییر مسیر پالایشگاه‌های مستقل چین به سمت نفت عراق، ۱۵ نوامبر ۲۰۲۶.
رویترز؛ گزارش اختلال صادرات نفت ایران و محدودیت عبور محموله‌ها، اول سپتامبر ۲۰۲۶.
الجزیره؛ گزارش سناریوی بودجه بدون درآمد نفتی ایران، ۱۱ نوامبر ۲۰۲۶.
بانک جهانی؛ گزارش چشم‌انداز اقتصاد کلان و فقر ایران، اکتبر ۲۰۲۶.
ایران اینترنشنال؛ گزارش مفروضات احتمالی قیمت نفت در تدوین بودجه ۱۴۰۶، ۲۸ اکتبر ۲۰۲۶.
گزارش‌های شرکت‌های اطلاعات انرژی ورتکسا، کپلر و داده‌های ردیابی نفتکش‌ها.
پایگاه اطلاع‌رسانی دریا و نفت
https://Seaoilnews.com
کانال تلگرام: https://t.me/seaoilnews